

شیطان

آفرینش، شاهکار خلقت

خدا هر چه را آفریده به بهترین شکل ممکن برای آن موجود، نیکو آفریده است، او شیطان راه شیطان نیافرید؛ چون از ابتدا او را با فطرت پاکی آفرید و او سالها همنشین فرشتگان بود، ولی وی بعدا دچار تکبر شد و نافرمانی خدا نمود. توضیح اینکه حکمت الهی اقتضا دارد به هر چیزی که امکان آفرینش وجود دارد، آن را بوجود آورد تا از ذات بی نیاز الهی کسب فیض کند، شیطان هم یکی از موجودات و مخلوقات خداست که او را پدید آورد تا کسب فیض کند اما او با اختیار خویش تکبر کرد و کافر شد و به جای توبه از گناه، از خدا مهلت گرفت تا افراد زیادی از فرزندان آدم را گمراه کند. غافل از اینکه او وسیله برای قرب، کمال، ترقی و کسب پاداش بیشتر برای ذریه آدم شد چرا که آدمیان با مقاومت در برابر تهاجمات مداوم او به کمال و قرب الهی نایل خواهند شد.

عامل پیشرفت

همچنانکه گفتیم وجود شیطان برای مومنان و پویندگان راه حق نه تنها زیانبخش نیست، بلکه وسیله‌ای برای پیشرفت و تکامل اوست. چون پیشرفت و ترقی و شکوفایی استعدادها همواره در میان تضادها صورت می‌گیرد. و شیطان از بیرون و نفس اماره از درون باعث آبدیده شدن انسان و قدرت روحی او می‌گردند. بر این اساس در صورتی که حقیقت بین بوده باشیم، خواهیم دید که وجود شیطان منشا خیر است.

شیطان، توسعه گر میدان فعالیتی انسان

همچنین اگر شیطان و وسوسه او نبود، میدان مبارزه با نفس پدید نمی‌آمد و انسان از فرشتگان برتر نمی‌گردید چونکه ترک گناهان مستلزم مبارزه با خواهشهای نفسانی است و گمراهیهای وی پیگیر و مداوم است. بنابراین؛ این مبارزه و رسیدن به کمال مطلوب پاداش بیشتری دارد علاوه بر آن انسان تا در مقابل دشمنی سرسخت و نیرومند قرار نگیرد، هرگز نیازی نمی‌بیند تا نیروها و نبوغش را هماهنگ کند چرا که در تاریخ نیز ثابت شده است که نیروهای بسیار قوی و کار آمد و قلعه‌های مستحکم همیشه در مقابل دشمن قوی و سرسخت پدید آمده است به عنوان نمونه فرماندهان و سربازان ورزیده و قوی، کسانی هستند که در جنگهای بزرگ، با دشمنان سرسختی رو در رو بوده‌اند و سیاستمداران با تجربه و ورزیده کسانی هستند که در بحرانهای سخت سیاسی، با دشمنان نیرومندی در گیر بوده‌اند. بنابراین وجود ابلیس توأم با خیر است؛ وجودش، شر محض نیست، بلکه شر آمیخته با خیر است.

نظر دانشمندان امروزی

دانشمندان امروز در مورد فلسفه وجود میکربهای مزاحم می‌گویند: "اگر آنها نبودند سلولهای بدن انسان در یک سستی و بی حالی فرو می‌رفتند و احتمالا رشد و نمو انسان از هشتاد سانتیمتر تجاوز نمی‌کرد و همگی به صورت آدمهای کوتوله بودند، پس انسانهای کنونی با مبارزه با میکربهای مزاحم، رشد و نمو بیشتری کسب کرده‌اند."

مَثَل شیطان

مَثَل باغبان است که شاخه‌های تر را پرورش می‌دهد و شاخه‌های خشک را می‌زند، شیطان نیز با ایجاد موانع و انحرافات، فرد مومن را هر چه بیشتر مقاوم و آبدیده می‌کند در مقابل اگر انسان دقت نکند چه بسا همین شیطان باعث بدبختی وی نیز شود.

شیطان اثباتگر اختیار آدمی

ج- وجود ابلیس برای عالم انسانی ضروری است چون انسان موجودی مختار است و همیشه در دنیا بر اساس آیه دهم سوره بلد دو دعوت وجود دارد: "و او را به راه خیر و شرّ هدایت کردیم!". و همچنین طبق آیه هشتم سوره شمس خداوند، پلیدکاری و پرعیزگاری را نیز به انسان آموخته.

در واقع انسان در یک دو راهی قرار دارد که از یک سو دعوت به خیر و صلاح و تمامی پیامبران، کتب آسمانی و عقل و فطرت آدمی صف بسته‌اند و از طرف دیگر دعوت به شر و فساد و شیاطین و نفس اماره در آن نمایان است و هر دو جبهه، انسان را به سوی خود می‌خوانند و آدمی این توان را دارد که به هر یک از دو طرف گرایش یابد. انسان مختار با اختیارش یکی از دو راه بر می‌گزیند چرا که باید کمال خویش را توسط نیروی اختیارش کسب کند.

لذت بخشی نتایج زحمات

اگر راه بدی در وجود انسان بسته باشد و به تعبیر قرآن فقط میل به تقوا در انسان باشد، ولی میل به بدی در او نباشد، آن تقوا، تقوا نیست زیرا تقوا وقتی تقواست که فرد در حالی که میل به زشتی و دعوت به زشتی در او هست، تقوا را انتخاب کند.

بر این اساس اگر شیطان و دعوت به بدی نباشد، عمل صالح نیز ارزش ندارد چون فرد مجبور است، عمل صالح انجام دهد. وقتی فردی با تقوا است که میل و دعوت به فجور نیز در او باشد و فرد با اختیارش راه صلاح و خیر را برگزیند و این ارزشمند و مستحق پاداش است و به قول معروف تا بد نباشد، خوب شناخته نمی‌شود، تا بیماری نباشد، قدر سلامتی مشخص نمی‌گردد و تا بد سیرتان نباشند، نیک سیرتان مشخص نمی‌گردند و تا کج راه‌ها نباشند، راه مستقیم و راست، باز شناخته نمی‌شود.

جمع‌بندی

مطالب گفته شده را در چند بند می‌توان دسته‌بندی کرد:

انسان با رسیدن به کمال برتر از ملائکه شد و ناگفته روشن است که اینها همه در اثر وجود شیطان و فواید وجود اوست و وجود او، همه از روی مصلحت بوده است.

وجود ابلیس برای امتحان بندگان ضرورت دارد تا افراد خود را بشناسد که اگر بین دو راه خیر و شر قرار گیرند، کدام راه را انتخاب می‌کنند؛ راه مستقیم و خیر یا راه شیطانی و شر؟ در سوره سبا آیه بیست و یکم چنین می‌خوانیم که: "او سلطه بر آنان نداشت جز برای اینکه مؤمنان به آخرت را از آنها که در شک هستند باز شناسیم؛ و پروردگار تو، نگاهبان همه چیز است!".

طبق این آیه ابلیس، وسیله‌ای برای آزمایش، و این دنیا آزمایشگاه انسانهاست و به حقیقت انسانها در این دنیا آزمایش می‌شوند. چنانکه امام علی علیه السلام فرمودند: " شما را در دنیا آزموده‌اند و برای غیر دنیا آفریده‌اند...."